



دفتر علم و پژوهش مجلس شورای اسلامی
در آموزه‌ها و احادیث

جاذبه قرآن با تاکید بر پاسخ به نیازهای بشر

محمد مهدی عصاریان^۱

تاریخ دریافت ۹۶/۱۰/۲۷

تاریخ پذیرش ۹۶/۱۱/۱۵

صص ۱۹۲ - ۱۶۷

چکیده

توجه به این نکته ضروری است که انسان همیشه در طول تاریخ به دنبال کسب پاسخ برای نیازهایش بوده است؛ گاهی این نیاز تامین معاش و امنیت خانواده است، و گاهی تعالی روحی و فکری. خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها از سه عامل استفاده کرده است: الف) پیامبران را با بیان روشن و معتدل و معجزات به سوی انسان‌ها گسیل می‌دارد. ب) انسان‌ها را به مشکلات گرفتار می‌سازد تا به لحاظ روحی متوجه درگاه خدا شوند. ج) در هم شکستن بت‌ها و خدایان ساختگی تا نشان دهد که آنها در جهان تأثیری ندارند.

در خصوص نیازهای اجتماعی انسان باید به چندین نکته توجه و دقت داشته باشیم:

الف- انسان اساساً موجودی اجتماعی است. ب- برای زندگی اجتماعی، انسان نیازمند تعامل دوسویه و متقابل است. ج- جوامع ناگزیرند برای زندگی بهتر قوانینی را وضع نمایند. د- آرامش یک جامعه در گرو عمل به قوانین اجتماعی است. ه- بشر نیاز دارد تا قوانین فطری

^۱ کارشناس ارشد علوم قرآن



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دوستان! هرگز در آموزه لا اله الا الله

بر اجتماعش حاکم باشد. و- انسان الهی در جامعه تنها به خود و منافع شخصی خویش نمی اندیشد. ز- قرآن به بهترین شکل انسان اجتماعی را برای تعامل در جامعه آماده می سازد. این مجموعه ای از تمامی نیازهای بشر برای زندگی سعادت مند و متعالی است که در قرآن بیان شده و مسیر هدایت بدرستی برای او روشن گردیده است.

کلیدواژه: جاذبه های قرآن، نیازهای بشر، پاسخگویی قرآن

مقدمه

انسان موجودی است که به دلیل پیچیدگی های موجود در خلقتش نیازمند برنامه ای منسجم و نظام یافته برای زندگی می باشد.

برای هدف خلقت انسان با لحاظ طبیعت و سرشت وجود وی، سه مرتبه طولی می توان بر شمرد؛ یعنی انسان بر پایه توان و استعداد وجودی اش می تواند به برترین مرتبه هدف خویش دست یابد و نیز با عدم حرکت و تلاش در اولین مرحله هم گام نگذارد.

- ۱- عبادت خداوند سبحان
- ۲- عبودیت یعنی حیات انسان باید بستر احیای روح بندگی و وصول به مقام عبودی در برابر خداوند سبحان باشد که عبادت زمینه عبودیت است.
- ۳- مظهر ربوبیت و ولایت حق (رک: جواد آملی، تفسیر موضوعی، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۷۵ تا ۱۷۷)



دفتر مطالعات و پژوهش‌ها
در آسوده‌آوردن مسرت

قرآن به عنوان کتابی عمیق و شگرف برنامه‌ای جامع برای تمامی نیازهای انسان در بر دارد. به عبارت بهتر قرآن تمامی نیازهای انسان در هر عصر و زمانی را برای او به ارمغان آورده و او را به سوی یک زندگی سعادت‌مند راهنمایی می‌کند.

قرآن مجید مشتمل است بر هدف کامل انسانیت و آن را به کامل‌ترین وجهی بیان می‌کند. زیرا هدف انسانیت که با واقع بینی سرشته شده، جهان بینی کامل و به کار بستن اصول اخلاقی و قوانین عملی است که مناسب و لازمه همان جهان بینی باشد و قرآن مجید تشریح کامل این مقصد را به عهده دارد. (دامن پاک مقدم، ۱۳۸۰، ص ۱۵۶)

خداوند بزرگ و مهربان در آغاز سخن و گفتارش خود را به رحمت و رحمانیت ستوده و از میان تمام صفات کمالش تنها این صفت را برای آغاز سخنش انتخاب نموده است، زیرا همان صفت رحمت خداوند است که موجب گردیده تا پیامبران را به سوی بشر بفرستد و قرآن را به آن‌ها نازل کند، پس بسیار بجا و سزاوار است که قرآن با رحمانیت خداوند شروع شود و این کتاب با صفت رحمت آغاز گردد. (خویی، ۱۳۵۴، ص ۵۷۵)

قرآن کریم در آیات بسیاری عوامل و زمینه‌های صلاح یا فساد افراد و جوامع را مورد اشاره قرار داده و تابلوی بدیعی را از انسان‌ها و جوامع مختلف به تصویر کشیده است.

بی‌شک تدبیر و مطالعه در این گونه آیات می‌تواند در رهنمون ساختن امت اسلامی و آحاد آن به سوی رشد و تعالی و نجات از گرداب فساد و انحطاط نقشی موثر و کارآمد ایفا نماید. (محمد قاسمی، ۱۳۸۷، ص ۱۲۷)

در مجموع قرآن کتابی است انسان ساز و حاوی برنامه هدایت و سعادت بشری که محدود به زمان و قومیت خاصی نمی‌شود. قرآن را بدون شک باید جذاب‌ترین برنامه ارائه شده برای سعادت بشری دانست که هرگز بشر خود قدرت ارائه چنین برنامه‌ای را نداشته و نخواهد داشت.



دفتر مطالعات پژوهشی قرآن در آموزه لا اوتان سنت
انسان و اصلاح اجتماعی:

قرآن اصلاحات اجتماعی را ریشه یابی کرده است. مهم ترین روش های قرآن برای سالم سازی محیط اجتماعی از مفاسد اخلاقی، عبارتند از:

- ۱- ریشه یابی انحرافات
 - ۲- دگرگونی ارزش های و اعتقادات
 - ۳- اصلاح تدریجی
 - ۴- امر به معروف و نهی از منکر
 - ۵- بهره جستن از روش ها و تکنیک های مختلف
 - ۶- بازگذاوردن راه صحیح و مشروع پیش از ممنوعیت ها
 - ۷- حفظ حریم میان زن و مرد
 - ۸- شدت عمل در برابر انحرافات
 - ۹- طرد عوامل فساد و تباهی
 - ۱۰- نشان دادن راه حق بعد از محو باطل (محمد قاسمی، پیشین، ص ۱۳۲ تا ۱۵۱)
- می بینیم که نیروی محیر العقول آیه های قرآن، با اولین برخورد، مردمان عرب را ناگاه به دو بخش تقسیم نمود؛ بخشی را جذب و بخشی را دفع نمود و آن بخش جذب شده نیز به دو دسته تقسیم شدند؛ دسته اول جذب و تسلیم و نهایت فداکاری و دسته دوم جذب منهای تسلیم و بعلاوه انکار و لجاجت و نهایت عداوت، و بخش دفع شده نیز به دو دسته تقسیم شده اند:
- دسته ای در حال گریز، چشم و گوش خود را بسته اند و فریاد می کشند: ای مردم سر و صدا کنید تا کسی نوای تلاوت آن آیه ها را نشنود «لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ- فصلت / ۲۶» و دسته دیگر در حال فرار و دور از صحنه به هذیان و یاهو سرایی می پردازند و می گویند تلاوت



دفتر مطالعات پژوهشی و آموزشی در آئین اسلام و سنت

کننده آن آیه‌ها ساحر و شاعر و دیوانه و کاهن است. انسان عصر جدید را می‌تواند در دو حوزه بسیار مهم، متمایز از انسان عصر قدیم دانست:

۱- در حوزه شناخت‌ها

۲- در حوزه تکنولوژی (کلاتری، ۱۳۸۹، ص ۴۷)

در حقیقت انسان امروز به واسطه پیشرفت‌های غیر قابل مقایسه با گذشته، عنصری متفاوت شده است؛

چه در بعد فردی و چه در بعد خانوادگی و به ویژه اجتماعی.

توجه به این نکته ضروری است که انسان همیشه در طول تاریخ به دنبال کسب پاسخ برای نیازهایش بوده است؛ حال در دوره‌ای این نیازها تامین معاش و امنیت خانواده بوده است، و در دوره‌ای تعالی روحی و فکری.

انسان در عصر اولیه زندگی قطعاً به دنبال مؤلفه‌های علمی و تمدنی نبوده است و تنها زندگی راحت مادی را برای خود و خانواده‌اش جستجو می‌کرده است. اما بشر در طول تاریخ رفته رفته به سوی رشد علمی و فکری پیش رفته است.

مهمترین لحظه در جریان رشد عقلانی که موجب پیدایش شکل‌های صرفاً انسانی هوش عملی و انتزاعی می‌شود زمانی است که گفتار و فعالیت علمی به هم می‌رسند. (ویگوتسکی، ۱۳۷۸، ص ۴۱)

انسان در این مرحله می‌تواند تحت تأثیر عوامل ژنتیکی ویا محیطی قرار گرفته باشد و رفتار خود را بر اساس قوانین و سنت‌های حاکم محیطی تعریف و مدیریت کند.

خصیصه ویژه ادراک انسان (که در سنین آغازین بروز می‌کند) ادراک اشیای واقعی است. (همان، ص ۵۱) این ادراک نیز متأثر از نوع نگاه خانواده و محیطی اجتماعی خواهد بود؛ بدان گونه که نوع



دوستان عزیزان! بیایم در آموزه اول آن سنت

ارتباط پدر و مادر در سنین آغازین شناخت عاطفی کودک را تحریک می‌کند و در دو انشقاق مثبت و منفی ادراک حسی کودک را جلو می‌برد.

طبیعی است که منافع بشر در هر دوره زمانی حرف اول را زده‌است و انسان کوشیده تا تنها منافع خود را تأمین کند. و باز طبیعی است که برای تأمین منافع، گاهی اخلاقیات به خطر می‌افتند و انسان پا را از دایره ارزش‌ها فراتر می‌گذارد. برخی نیز معتقدند انسان روی طبیعت اثر می‌گذارد، آن را تغییر می‌دهد و برای خود شرایط طبیعی تازه زیستی فراهم می‌سازد. (ویگوتسکی، پیشین،

ص ۷۲)

عوامل سرنوشت ساز در تربیت انسان از دید قرآن عبارتند از:

۱- روش الگویی

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ..... (ممتحنه / ۴)

۲- موعظه

.....فَتَوْبُوا إِلَىٰ بَارئِكُمْ فَاقْتُلُوا أَنفُسَكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ عِنْدَ بَارئِكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ.... (بقره / ۵۴)

۳- مهرورزی، محبت و عطف

يَبْنِي اذْهَبُوا فَتَحَسَّنُوا مِن يُّوسُفَ وَ اٰخِيهِ وَ لَا تَأْتِسُوا مِن رُّوحِ اللّٰهِ..... (يوسف / ۸۷)

۴- عبرت آموزی

أ وَ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ... (روم / ۹)

۵- تشویق و تنبیه

.....فَإِن تَابَا وَ أَصْلَحَا فَأَعْرِضُوا عَنْهُمَا إِنَّ اللّٰهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا(نساء / ۱۶)

۶- تمرین و عادت دادن یا مداومت عمل (مهدوی راد، ۱۳۸۵، ص ۱۴۵ تا ۱۴۸)

تربیت انسان همان چیزی است که از آن به نیاز بشر تعبیر می‌کنیم.



دوفصلنامه پژوهش‌های علمی در آموخته‌ها و ادیان سنت

قرآن به عنوان کتابی انسان‌ساز و نسخه شفابخش هدایت بشر به خوبی این نیاز را تشخیص داده و با زبان‌های مختلف و به کمک ابزار گوناگون تلاش نموده این مهم را به انجام رساند. آرامش قلب و اطمینان باطن، غایت و نهایت نیاز انسان است که پس از اصلاح و پس از تحقق تربیت الهی انسان به این مرحله یعنی آرامش درونی دست می‌یابد.

در همین راستا مفسران آثار آرامش قلب را اینگونه دسته بندی کرده‌اند:

ازدیاد ایمان

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا مَعَ إِيمَانِهِمْ... (فتح ۴)

عنايت خداوند

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي * وَادْخُلِي جَنَّتِي (فجر / ۲۹ و ۳۰)

اقرار به توحيد

..... فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوهُ مِنْ دُونِهِ إِلَهًا لَقَدْ قُلْنَا إِذَا شَطَطًا (كهف/ ۱۴)

انابه

..... قُلْ إِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ (رعد/ ۲۷)

پيروزی

..... وَ مَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ (آل عمران/ ۱۲۶)

هدایت

قُلْ إِنَّ اللَّهَ يَضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أَنْابَ (رعد/ ۲۷)

ثبات قدم

..... وَيَذْهَبَ عَنْكُمْ رِجْزَ الشَّيْطَانِ وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيَمَيِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ (انفال / ۱۱)



دفتر پژوهش‌های قرآنی و آموزشی وزارت علوم، تحقیقات و فناوری

قدرت

.....إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ (قصص ۷) (همان، ص ۳۷۷ و ۳۸۷)

پس از بحث در خصوص هدایت و تربیت انسان به عنوان مهمترین نیاز معنوی بشر که قرآن به خوبی به آن پرداخته است، نوبت به بحث از ابعاد تربیت عبادی در انسان می رسد. تربیت عبادی اساساً چیزی است که رشدیافتگی انسان در مسیر پروردگار و تعالی به سمت بندگی می تواند نام گیرد.

ابعاد تربیت عبادی در قرآن از دیدگاه استاد رضایی اصفهانی عبارتند از؛

۱- عبادت عقلانی

.....وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَاطِلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ (آل عمران/

۱۹۱)

۲- عبادت جسمانی

أَمَّنْهُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ (زمر/۹)

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُنْ مِنَ السَّاجِدِينَ (حجر/۹۸)

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا ارْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ وَافْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ (حج/۷۷)

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ وَيُسَبِّحُونَهُ وَلَهُ يَسْجُدُونَ (اعراف/۲۰۶)

۳- عبادت اجتماعی، سیاسی

الَّذِينَ إِنْ مَكَانَهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَآمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ... (حج/۴۱)

وَ أَدْنَىٰ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَىٰ كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ مِنْ كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ (حج/۲۷)

رضایی اصفهانی، ۱۳۹۳، ص ۹۸ و ۹۹)



دفتر مطالعات و پژوهش‌های اسلامی در آموزشده و آموزش عالی

استاد رضایی همچنين مبانی تربیت عبادی در قرآن را اینگونه تبیین کرده است؛

۱- خدامحوری نظام خلقت؛

إِنَّ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتَى الرَّحْمَانَ عَبْدًا (مریم / ۹۳)

۲- فقر زادی انسان؛

يَأْيُهَا النَّاسُ أَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ (فاطر / ۱۵)

۳- مدبر بودن خداوند؛

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ (روم / ۴۰)

۴- مکلف بودن انسان؛

وَلَا تُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَ لَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَ هُمْ لَا يُظْلَمُونَ (مومنون / ۶۲)

۵- هماهنگی تعالیم قرآن با فطرت؛

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا... (روم / ۳۰)

۶- مختار بودن انسان؛

إِنَّا هَدَيْنَاهُ السَّبِيلَ إِمَّا شَاكِرًا وَإِمَّا كَفُورًا (انسان / ۳)

۷- توجه به کرامت انسان؛

وَ لَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ ... وَ فَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا (اسراء / ۷۰) (رک: همان، ص ۸۸

تا ۹۱)

در مجموع این مباحث ذکر چند نکته مهم به نظر می رسد:

الف- تربیت عبادی خدا محور است.

ب- در این نظام تربیتی، جبری در کار نیست.

ج- تفکر و اندیشه در این تربیت رکن اساسی و مهمی را داراست.

د- تدبیر الهی نظام جامعی برای تربیت پیش روی بشر ترسیم می نماید.



دوستان عزیزان! در آموزه اول آن سنت

در رابطه با آسیب شناسی تربیت نیز محققان نظراتی ارائه کرده‌اند؛

فرهنگ قرآن این موارد را این گونه بر می‌شمارد؛

۱- تحریف

وَ مِنْ الَّذِينَ هَادُوا يَحْرَفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ (مائده/ ۴۱)

۲- تقلید کورکورانه

وَ إِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا (مائده/ ۱۰۴)

۳- تکذیب خدا

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَذَبُوا بآيَاتِنَا وَ أَنْفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ (اعراف / ۱۷۷)

۴- حرامخواری

سَمَاعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّخْتِ (مائده/ ۴۲)

۵- دنیا طلبی

وَ لَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَ لَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَ اتَّبَعَ هَوَاهُ (اعراف / ۱۷۶)

۶- دوست گمراه

يَا وَيْلَتَىٰ لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا (فرقان / ۲۸)

۷- شیاطین

فَأَزَلَّهُمَا الشَّيْطَانُ عَنْهَا فَأَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيهِ (بقره / ۳۶)

۸- هواپرستی

* وَ مَا أَبرَأُ نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ (يوسف / ۵۳)

(رک: هاشمی رفسنجانی، پیشین، ج ۷، ص ۴۴۸ تا ۴۵۱)



وَفَصَلْنَا بَيْنَ رُوحَانِ الْوَالِدِ وَالْمَوْلَىٰ

در هر شکل قرآن کریم کتابی است که با آسیب شناسی راه‌های غلطی که ممکن است انسان به سمت آنها رفته باشد، راه درست حرکت را برای انسان بازگو می‌نماید.

قرآن راهکارهای مختلف و گوناگونی برای پاسخگویی به نیازهای انسان طرح نموده است؛

باید توجه داشت که این راهکارها در سه دسته کلی قرار می‌گیرند:

- ۱- راهکارهای عینی در محور نیازهای ثابت انسان؛ مانند: راهکارهای عینی بر محور نیازهای مادی (عبس / ۲۴)، غریزه جنسی (نور / ۳۲)
 - ۲- راهکارهای عینی بر محور نیازهای روانی؛ مانند: نیاز به امنیت و آرامش روانی (انعام / ۸۲)، نیاز به شادی (پایدار: نحل / ۹۷)، (ناپایدار: رعد / ۲۶)، نیاز به محبت و عشق (انفال / ۶۲ و ۶۳)، نیاز به دانستن و فهمیدن (مجادله / ۱۱)
 - ۳- راهکارهای عینی بر اساس نیازهای روحی؛ مانند: زیبایی طلبی (اعراف / ۳۲)، نیاز به نیکی (بقره / ۱۷۷)، میل به جاودانگی (جمعه / ۸)، ۳-۴ انگیزه پرستش (روم / ۳۰) (کلانتری، ابراهیم، پیشین، ص ۴۸ تا ۶۰)
- محققین همچنین به جریان زمان از یک زاویه دیگر نیز نگاه کرده‌اند:

گرچه نیازهای جسمی، روانی و روحی انسان در بستر زمان دچار تغییر و دگرگونی نمی‌شوند، اما جریان زمان از دو جهت نیازهای جدیدی را در زندگی انسان رقم می‌زند:

- ۱- شیوه‌ها و اشکال جدیدی را برای پاسخگویی به نیازهای ثابت به وجود می‌آورد.
 - ۲- موضوعات و مسائل جدیدی را می‌آفریند که سابقه نداشته‌اند. (همان، ص ۶۱)
- البته این نکته مهم را نباید از نظر دور داشت که نیازهای انسان رابطه دو سویه و مستقیمی با عصر زندگی او دارند و ابعاد و جزئیات گوناگون زندگی در این مقوله تأثیرگذارند. به عبارت بهتر



دفتر نشر و آموزش عالی در آئین ولایت

انسان در هر دوره زمانی شرایط منحصر به فردی را تجربه می‌کند، که این شرایط متفاوت از دوره زمانی دیگر هستند. روانشناسی انسان گرا در نشانه‌های احساس ناایمنی بدین صورت بیان شده:

- ۱- احساس طرد شدن و مورد عشق و علاقه دیگران نبودن
- ۲- احساس تنهایی
- ۳- احساس دائمی در معرض خطر بودن
- ۴- احساس عدم اتحاد
- ۵- احساس تنش و فشار درونی (شاملو، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹)

ارتباط با کمال مطلق مایه تعالی انسان است و به وجدان‌های بیدار شعور و ادراک و به حس علم جوایی و کنجکاوی انسان، نیرو می‌بخشد و موقعیت انسان را در جهان با واقع بینی کاملی روشن می‌سازد.

روانشناسی امروز، حس مذهبی را یکی از چهار حسی می‌داند که متن روانی انسان را تشکیل می‌دهد؛

- ۱- حس علم جوایی و کنجکاوی
- ۲- حس اخلاق و نیکوکاری
- ۳- حس هنر جوایی و زیبایی خواهی
- ۴- حس خداجوایی

از نظر متفکران، مذهب ریشه عمیقی در روح و روان انسان دارد و در نهاد او تجلی می‌یابد. (سبحانی، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۳۲۰ تا ۳۲۲) فطرت و طبع انسان در هر دوره زمانی ثابت است، اما نوع نگاه انسان به اطرافش و نوع تعامل او با جامعه پیرامونی در هر دوره زمانی متفاوت است. البته اضافه می‌نمائیم که حس خداجوایی در انسان‌ها لزوماً با پذیرش یک دین و یا آئین مشخصی



دوفصلنامه پژوهش‌های فلسفی و فقهی در آموزه‌های قرآن و حدیث

معنا نمی‌شود و می‌تواند در چارچوب فطرت پاک الهی تعبیر گردد ولی چه بسا انسان به خطا رود و بیراهه را راه انگارد لذا تمسک به انبیاء ضروری به نظر می‌رسد.

با نگاهی اجمالی به آیات قرآن به عنوان مهم‌ترین منشور اجتماعی مسلمانان، می‌تواند دریافت که پیشرفت علمی در قرون اولیه اسلام، محصول تفکر دینی‌ای بوده‌است که در سایه عمل به این آیات حیات بخش حاصل شده‌است. (طالب تاش، ۱۳۸۶، ص ۱۰۸)

قرآن برای درمان امراض نفسانی دو راه پیشنهاد می‌کند؛

۱- تقوی

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَئْفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ (اعراف / ۲۰۱)

۲- تهذیب و تزکیه نفس

قَدْ أَفْلَحَ مَن زَكَّاهَا (شمس / ۹)، قَدْ أَفْلَحَ مَن تَزَكَّى (اعلی / ۱۴)، وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ (عنکبوت / ۶۹) (جوادی، پیشین، ج ۱۷، ص ۳۸۳ و ۳۸۴)

بنابر این از دیدگاه قرآن کریم تقوی و تهذیب دو عاملی هستند که اگر در اختیار انسان قرار گیرند، می‌توانند نیازهای او را در همه زمینه‌های انسانیت بر طرف ساخته و مشکلات احتمالی او که در مسیر زندگی مادی پیش آمده را مدیریت کنند.

البته نباید از نظر دور داشت که انسان با اختیار بوده و سرنوشت او در دستان خود او قرار دارد.

ریشه‌های وجدان در نهاد انسان:

تجارب و آزمون‌های فراوان، گواهی می‌دهند که در درون انسان، درک و آگاهی خاصی که انسان را از خوبی‌ها و بدی‌ها آگاه سازد، وجود دارد و این نوع درک و آگاهی را وجدانیات می‌نامند و در فلسفه اسلامی بخشی از عقل عملی به شمار می‌رود.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
دفتر انتشارات و اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی

به گفته استاد انصاریان اعمال انسان در دیدگاه قرآن گاه به حقیقت‌های مختلفی تشبیه شده است:

گاه تشبیه به جمادات؛ گاه تشبیه به نباتات؛ گاه تشبیه به حیوان و.... (انصاریان، آثار مثبت عمل،

۱۳۸۸، ص ۲۴۹)

نفس انسان دارای حالات گوناگونی است که این حالات در اثر یک سلسله روابط و مسائل

گوناگونی که انسان با آنها سر و کار پیدا می‌کند، برای نفس ساخته می‌شود. (انصاریان، نفس،

۱۳۸۸، ص ۲۱۵)

انسان اگر واقعاً اهل حرکت به سوی خدا باشد می‌تواند یک برگ را هم نردبان رسیدن به حق

قرار دهد، چرا که آثار قدرت و علم حکمت و عنایت و مرحمت و عشق و لطف او در همان یک

برگ قابل خواندن و مطالعه و معرفت پیدا کردن است تا چه رسد به توفیق در مطالعه وضع عالم

از آسمان‌ها، زمین و کهکشان‌ها.

استاد سبحانی میان وجدان فطری و اخلاقی تفاوت قائل شده و می‌نویسد:

یک رشته اعمال مانند ازدواج با محارم در وجود انسان ریشه فطری ندارند و تنها به خاطر

تذکرات پیاپی و وضع تبلیغی شرایع آسمانی در نهاد انسان زشت جلوه یافته‌اند. که این زشتی

زشتی اخلاقی است، اما مسأله‌ای چون خیانت به امانت در نزد وجدان فطری انسان زشت و مذموم

است. (رک: سبحانی، جعفر، پیشین، ج ۱۴، ص ۲۱۳ تا ۲۱۶)

استاد جوادی آملی به آیه شریفه وَ بَلَّوْنَاھُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَ السَّیِّئَاتِ لَعَلَّھُمْ یَرْجِعُونَ (اعراف ۱۶۸)

اشاره نموده و می‌نویسد: خدای متعال بندگانش را به خوبی‌ها و بدی‌ها می‌آزماید و هدفش

بازگشت آن‌ها به سوی خداست. (جوادی آملی، تسنیم، ج ۳۰، ص ۵۸۳)



دفتر مطالعات و پژوهش‌های حقوق اساسی و حقوق اساسی

بی بهره بودن از معارف اعتقادی، دور بودن از آراستگی به اخلاق الهی و نداشتن فهم درست دینی، نمونه ای از جزای عمل بد در دنیاست. خداوند مبادی برهان فطری را در نهران انسان تعبیه فرمود. و سپس این گنجینه فطری توسط رهبران الهی در انسان شکوفا گردید. (جوادی آملی، تسنیم، ج ۲۶، ص ۴۵)

قرآن کریم در آیات بسیاری عوامل و زمینه‌های صلاح یا فساد افراد و جوامع را مورد اشاره قرار داده و تابلوی بدیعی را از انسان‌ها و جوامع مختلف به تصویر کشیده‌است. قرآن تماماً به قصد هدایت و ایجاد تحول در بشر با او سخن می گوید. تمامی قصه های و وقایع تاریخی و مثل‌های قرآن کریم در همین راستا هستند.

پاسخگویی به نیازهای اجتماعی در قرآن؛

در تعریف جامعه گفته‌اند: مجموعه‌ای از افراد، که زندگی آنها به هم مربوط می‌شود، و ارتباط آنها ناشی از داشتن خواسته یا منافع مشترک بوده، و باید در تحقق آنها بکوشند. (بهشتی، ۱۳۶۰، ص ۳۴۵)

در تعالیم اسلامی می‌بینیم که از یک سو روی مسئولیت فرد نسبت به خود سازی و محیط سازی تکیه شده و از سوی دیگر روی تأثیر اجتناب ناپذیر محیط اجتماعی در شکل دادن به اندیشه، اراده، اخلاق و عمل فرد؛ تا آنجا که گویی سرنوشت انسان‌ها به مقدار زیاد به هم پیوسته است. (همان، ص ۳۵۱)

شهید بهشتی در ذیل آیه لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ (حدید/ ۲۵)، عوامل و اصول ایجاد اعتدال اجتماعی را چنین تبیین می‌کنند؛ برابری انسان‌ها، عدل حقوقی، رفع تبعیض در سایه بینش توحیدی، عدل اقتصادی، آزاد اندیشی و علم آموزی،



دفتر مطهری و پژوهشی مجلس شورای اسلامی
دفتر مطهری و پژوهشی مجلس شورای اسلامی

بهره گیری در سایه کار و فعالیت همگانی، محروم شدن عده‌ای به خاطر تجاوز در بهره‌وری، قانون عدل و مجری عادل، صلاحیت در احراز مناصب اجتماعی، احساس مسئولیت، ولایت اسلامی، خود سازی و مبارزه با فساد(همان، ص ۳۵۴ تا ۳۶۲)

لغات اجتماعی قرآن دوگونه است: بعضی از لغات اجتماعی، مربوط است به یک پدیده اجتماعی؛ مانند: ملت، شریعت، شرعه، منہاج، سنت و امثال آن. و برخی لغات دیگر عنوان اجتماعی برای همه یا گروه‌هایی از انسان‌ها به شمار می‌رود؛ مانند قوم، امت، ناس، شعوب، قبائل و... (مطهری، ۱۳۶۸، ص ۳۳۴)

شهید بهشتی معیارهای اصلی اخلاق از نظر اسلام را تقرب به خدا و عزت، کرامت و ارجمندی انسان دانسته و می‌افزاید: یکی از شرایط مهم معبود آن است که او عبادت کنندگان خود را هدایت کند که این خود شرایط خاصی را در بر می‌گیرد. (همان، ص ۱۶۶).

وقتی انسان تصمیم گرفت حق را نپذیرد، خدا او را مجبور به پذیرش حق نمی‌کند. زیرا که گمراهی و هدایت اجباری، منظور خداوند نیست و خدا انسان را به طور کلی در انتخاب هدایت و ضلالت مختار قرار داده است. (همان، ص ۹۸)

استاد مطهری در خصوص دیدگاه قرآن نسبت به جامعه چند دسته بندی مطرح می‌نماید:

۱- از نظر قرآن جامعه دو قطبی است و همواره به دو قطب استضعافگر و استضعاف شده تقسیم می‌شود.

۲- سنت الهی بر پیروزی مستضعف بر ستمگر استوار است.

۳- اراده خداوند به وسیله خود مستضعفان جامعه تحقق می‌یابد.

۴- همواره میان پایگاه فکری و پایگاه اجتماعی و موضع طبقاتی، تطابق و

هماهنگی است. (مطهری، پیشین، ص ۴۳۲ و ۴۳۳)



دفتر مطالعات و پژوهش‌های اسلامی
در آئین و احکام و سنت

هر مکتبی که بتواند سعادت بشری را دقیق، تأمین کند از قدرت بقای بیشتری برخوردار است و از این رو شریعت اسلام تا قیامت باقی خواهد ماند و مسلمانان در صورتی که به آن درست عمل کنند، از بقا و قدرت آن برخوردار خواهند شد. (بهرامپور، پیشین، ج ۱۳، ص ۱۳۶)

آرامش در سایه تقویت باورهای دینی، تقویت نظام خانواده، رعایت حقوق همسایگان جهانی، راه حل قرآنی اقتصاد جهانی، مبارزه با آلودگی محیطی، جلوگیری از افزون طلبی و... برخی راه حل‌های درمانی قرآن برای رهایی بشر امروز از نگرانی هستند. (همان، ص ۱۱۶ تا ۱۲۹)

جمع بندی این مباحث این نکته را روشن می‌سازد که پیام قرآن پیام هدایت و سعادت است. خداوند متعال برای هدایت انسان‌ها از سه عامل استفاده کرده است:

الف) پیامبران را با بیان روشن و معتدل و معجزات به سوی انسان‌ها گسیل می‌دارد.
ب) انسان‌ها را به مشکلات گرفتار می‌سازد تا به لحاظ روحی متوجه درگاه خدا شوند و نیز با درخواست رفع مشکلات از بت‌ها و بی اثر بودن آنان به نادرستی آئین خود پی ببرند.
ج) پیامبران نیز با معانده علنی و با بت‌ها و احیاناً در هم شکستن آنها نشان می‌دهند که بت‌ها در جهان تأثیری ندارند. (رجبی، ۱۳۹۰، ص ۱۳۳)

شهادت بهستی حوزه انتخاب و اراده انسان از دیدگاه قرآن را اینگونه تقسیم بندی کرده است؛

۱- فطرت و تمایل انسان؛

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ (روم/ ۳۰)

۲- تعدیل تمایلات؛

* يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ (نساء/ ۱۳۵)

۳- نقش محیط طبیعی؛

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنْفِرُوا كَافَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِنْ كُلِّ فِرْقَةٍ مِنْهُمْ طَائِفَةٌ لِيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ (توبه/ ۱۲۲)



دوستان! هرگز از آن آموزه‌ها و آداب سنت

۳- نقش عوامل تاریخی، اجتماعی و اقتصادی؛

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنْهَوْنَ عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ (هود/۱۱۶)

۱- نقش ضوابط و اصول در حوزه انتخاب؛

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ (فاطر/۱۹)

۲- وحی الهی؛

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ (نجم/۳)

۳- عمل انسان؛

كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهِيْنَةٌ (مدثر/۳۸)

۴- خداجویی و حق طلبی؛

يَأْتِيهَا الْاِنْسَانُ اِنْكَ كَادِحٍ اِلَىٰ رَبِّكَ كَادِحًا فَمُلَاقِيْهِ (انشقاق/۶) (رک: بهشتی، پیشین، ص ۱۵۰ تا

۱۶۲)

ایمان نور است و روشنی بخش، و به انسان در جهان بینی، و اعتقاد، و عمل، و تمام زندگی روشنایی و آگاهی می‌دهد، اما کفر ظلمت است و تاریکی، و در آن نه بینش صحیحی از کل عالم هستی است، و نه از اعتقاد درست و عمل صالح خبری. *تعالقات فرهنگی*

در خصوص نیازهای اجتماعی انسان باید به چندین نکته توجه و دقت داشته باشیم:

الف- انسان اساساً موجودی اجتماعی است.

ب- برای زندگی اجتماعی، انسان نیازمند تعامل دوسویه و متقابل است.

ج- جوامع ناگزیرند برای زندگی بهتر قوانینی را وضع نمایند.

د- آرامش یک جامعه در گرو عمل به قوانین اجتماعی است.

ه- بشر نیاز دارد تا قوانین فطری بر اجتماعش حاکم باشد.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
در آموزشه لاخوان سنت

و- انسان الهی در جامعه تنها به خود و منافع شخصی خویش نمی‌اندیشد.

ز- قرآن به بهترین شکل انسان اجتماعی را برای تعامل در جامعه آماده می‌سازد.

تقوی بزرگترین ارزش انسانی

در آیات گذشته روی سخن به مؤمنان بود، و خطاب به صورت یا *أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا* و در ضمن آیات متعددی را که یک جامعه مؤمن را با خطر روبرو می‌سازد بازگو کرد و از آن نهی فرمود.

در حالی که در آیه مورد بحث مخاطب کل جامعه انسانی است و مهم‌ترین اصلی را که ضامن نظم و ثبات است بیان می‌کند، و میزان واقعی ارزش‌های انسانی را در برابر ارزش‌های کاذب و دروغین مشخص می‌سازد.

می‌فرماید: ای مردم! ما شما را از یک مرد و زنی آفریدیم، و شما را تیره‌ها و قبیله‌ها قرار دادیم تا یکدیگر را بشناسید" (*يا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا*).

منظور از آفرینش مردم از یک مرد و زن همان بازگشت نسب انسان‌ها به آدم و حوا است، بنا بر این چون همه از ریشه واحدی هستند معنی ندارد که از نظر نسب و قبیله بر یکدیگر افتخار کنند، و اگر خداوند برای هر قبیله و طائفه‌ای ویژگی‌هایی آفریده برای حفظ نظم زندگی اجتماعی مردم است، چرا که این تفاوت‌ها سبب شناسایی است، و بدون شناسایی افراد، نظم در جامعه انسانی حکمفرما نمی‌شود، چرا که هر گاه همه یکسان و شبیه یکدیگر و همانند بودند، هرج و مرج عظیمی سراسر جامعه انسانی را فرا می‌گرفت.

برخی گفته‌اند دایره شعوب گسترده‌تر از دایره قبائل است، همانطور که شعب امروز بر یک ملت اطلاق می‌شود، که این تفسیر از همه مناسبتر به نظر می‌رسد.



دوفصلنامه پژوهش‌های دینی در آموزه‌های قرآن و حدیث

به هر حال قرآن مجید بعد از آنکه بزرگترین مایه مباهات و مفاخره عصر جاهلی یعنی نسب و قبیله را از کار می‌اندازد، به سراغ معیار واقعی ارزشی رفته می‌افزاید: "گرامی‌ترین شما نزد خداوند با تقواترین شما است" (إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاكُمْ). خداوند پرهیزگاران را به خوبی می‌شناسد، و از درجه تقوا و خلوص نیت و پاکی و صفای آنها آگاه است، آنها را بر طبق علم خود گرامی می‌دارد و پاداش می‌دهد و مدعیان دروغین را نیز می‌شناسد و کیفر می‌دهد.

نکاتی در این خصوص حائز اهمیت است؛

۱- ارزش‌های راستین و ارزش‌های کاذب

بدون شک هر انسانی فطرتاً خواهان این است که موجود با ارزش و پر افتخاری باشد، و به همین دلیل با تمام وجودش برای کسب ارزش‌ها تلاش می‌کند.

و عجیب است که قرآن در محیطی ظهور کرد که ارزش قبیله از همه ارزش‌ها مهم‌تر محسوب می‌شد، اما این بت‌ساختگی در هم شکست، و انسان را از اسارت خون و قبیله و رنگ و نژاد و مال و مقام و ثروت آزاد ساخت، و او را برای یافتن خویش به درون جانش و صفات و الایش رهبری کرد!

۲- حقیقت تقوی

قرآن بزرگترین امتیاز را برای تقوی به عنوان تنها معیار سنجش ارزش انسان‌ها قرار داده است. در جای دیگر تقوی را بهترین زاد و توشه شمرده، می‌گوید: "و تَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَى" (بقره/ ۱۹۷)

و در جای دیگر لباس تقوی را بهترین لباس برای انسان می‌شمرد و لباس تقوی ذلک خیر اعراف (۲۶)



دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی در آموزه‌های اخلاق و سنت

و در آیات متعددی یکی از نخستین اصول دعوت انبیاء را تقوی ذکر کرده، و بالاخره در جای دیگر اهمیت این موضوع را تا آن حد بالا برده که خدا را اهل تقوی می‌شمرد، و می‌گوید:

هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَ أَهْلُ الْمَغْفِرَةِ (مدرثر / ۵۶).

قرآن، "تقوی" را نور الهی می‌داند که هر جا راسخ شود، علم و دانش می‌آفریند؛
وَ اتَّقُوا اللَّهَ وَ يُعَلِّمَكُمُ اللَّهُ (بقره / ۲۸۲).

و نیز نیکی و تقوی را قرین هم می‌شمرد، وَ تَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَ التَّقْوَىٰ.
و عدالت را قرین تقوی ذکر می‌کند: اعْدِلُوا هُوَ أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ.

اکنون باید دید حقیقت تقوی این سرمایه بزرگ معنوی با اینهمه امتیازات چیست؟

قرآن اشاراتی دارد که پرده از روی حقیقت تقوی بر می‌دارد: در آیات متعددی جای تقوی را "قلب" می‌شمرد، از جمله می‌فرماید:

أُولَئِكَ الَّذِينَ امْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ: "آنها که صدای خود را در برابر رسول خدا ﷺ پائین می‌آورند و ادب می‌کنند کسانی هستند که خداوند قلوبشان را برای پذیرش تقوی آزموده-
است" (حجرات / ۳)

قرآن، "تقوی" را نقطه مقابل "فجور" ذکر کرده، چنان که در آیه ۸ سوره شمس می‌خوانیم:
فَأَلْهَمَهَا فُجُورَهَا وَ تَقْوَاهَا: "خداوند انسان را آفرید و راه فجور و تقوی را به او نشان داد."

قرآن هر عملی را که از روح اخلاص و ایمان و نیت پاک سرچشمه گرفته باشد بر اساس "تقوی" می‌شمرد.

تفاسیر در خصوص این آیه نکاتی را متذکر شده‌اند (رک: طباطبایی، ۱۴۱۷، ج ۱۸، ص: ۳۲۷)

استاد سبحانی تنها در خصوص نتایج دنیوی عمل صالح موارد زیر را بر می‌شمارند:



دوستان عزیزان! در آموزه اول قرآن عزت

۱- عمل صالح و تکامل ایمان؛

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَ لَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ (نحل/۹۶)

۲- عمل صالح و زندگی پاکیزه؛

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَ هُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً (نحل / ۹۷)

۳- محبوبیت در دل مردم؛

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمٰنُ وُدًّا (مریم / ۹۶)

۴- نورانیت و روشنی؛

... لِيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ مِنَ الظُّلُمٰتِ إِلَى النُّورِ (طلاق / ۱۱)

۵- مایه آمرزش گناهان؛

وَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَ عَمِلُوا الصَّٰلِحٰتِ وَ ... كَفَّرَ عَنْهُمْ سَيِّئٰتِهِمْ وَ أَصْلَحَ بِآلِهِمْ (محمد / ۲)

۶- تبدیل سیئه به حسنه؛

إِلَّا مَن تَابَ وَ ءَامَنَ وَ عَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُوْلَٰئِكَ يُبَدِّلُ اللَّهُ سَيِّئٰتِهِمْ حَسَنٰتٍ ... (فرقان / ۷۰) (رک:

سبحانی، پیشین، ج ۱۴، ص ۳۴۴ تا ۳۵۶)

در رابطه با نیازهای انسان باید ابتدا بررسی نمود که چه منابع و امکاناتی در اختیار او قرار گرفته

اند.

در این خصوص چند نکته مهم وجود دارد:

۱- نعمت های بی شمار الهی براحتمی قابل مشاهده و درک هستند.

۲- دیدن نعمت ها ملاک نیست، بلکه فهم و درک خلقت آنها مهم است.

۳- درک و تشخیص درست انسان درباره خالق هر نعمت از اهمیت بالایی

برخوردار است.



دفتر مطبوعاتی مجلس شورای اسلامی
آموزه‌ها و آوران حضرت

- ۴- اگر انسان تعمق نداشته باشد، براحتی از کنار نعمت‌ها عبور خواهد کرد.
- ۵- بسیاری نعمت‌هایی که در پیرامونمان، به کسانی غیر از خالق اصلی شان نسبت می‌دهیم.

آنچه به ما در یافتن راه درست زندگی و دریافت حقیقت و معنای واقعی نیازهای بشر کمک می‌کند آن است که به جایگاه انسان به عنوان اشرف مخلوقات واقف باشیم و در این راه از شناخت خالق خویش باز نمانیم.

وقتی انسان جایگاه خویش درعالم هستی را به درستی بشناسد، آنگاه خود به دنبال برنامه برای زندگی خواهد رفت.

نکته مهم دیگری که نباید از آن غافل بود آن است که قرآن کریم به عنوان نسخه پاسخگوی نیازهای بشر، کتابی نیست که هر مشکلی را به او عرضه کنیم و این کتاب خود به تنهایی همه مسائل را حل و فصل نماید. درک درست انسان از معرف قرآن و مطالعه عمیق و همراه با تدبر این صحیفه نورانی، می‌تواند راه را برای انسان هموار کرده و افق روشنی از هدایت را پیش روی او بگستراند.

نتیجه

آنچه در خصوص نیازهای بشر باید مد نظر قرار داد آن است که این نیازها در حوزه مادی نامحدود می‌باشد. بشر اساساً در بعد مادی خود دچار حرص و زیاده خواهی است و نمی‌تواند این زیاده خواهی را مخفی کند. اما آن نیازی که قرآن به آن پاسخ می‌دهد از جنس مادی و دنیایی نیست. اگرچه قرآن کریم می‌فرماید که خداوند نیازهای مادی انسان را نیز فراموش نمی‌کند، اما قرآن به عنوان یک برنامه جامع و تمام عیار برای سعادت بشری به شمار رفته و نیازهای معنوی او را در نظر می‌گیرد.



دفتر مشاوران و پژوهشگران در آموزه‌های قرآن و حدیث

از مهم‌ترین امتیازات اسلام آن است که با دید همه‌سویگر آنچه را که به همه ابعاد انسان تکامل می‌بخشد می‌آموزد و از هر چه ناهماهنگی یا وقفه در کمال و رشد همه‌جانبه او ایجاد کند، جلوگیری می‌کند، به همین جهت اخلاق اسلامی نقش سازنده دارد و مایه سلامت بخشی روان آدمی است. این منطق که دین ماهیتاً یکی بیش نیست بر اساس این جهان بینی از انسان و جامعه است که انسان نوع واحد است؛ همچنانکه جامعه انسانی از آن نظر که یک واقعیت عینی است نوع واحد است نه انواع. (همان، ص ۳۴۱)

قرآن کریم کتاب سرگذشت‌ها نیست بلکه کتابی است که بر اساس یافته‌های صحیح می‌تواند تبیین‌کننده نظام‌های مختلف در عرصه زندگی بشری باشد. (مؤدب، ۱۳۹۲، ص ۶۱)

قرآن برای تمامی مسائلی که به نوعی چالش‌های اساسی اجتماعی محسوب می‌شوند، طرح و برنامه کلان و بیان عمومی دارد.

هدف قرآن دگرگون کردن انسان و جامعه و هدایت وی به سمت تلاش و حرکت و راه راست است. یکی از هدف‌های مهم قرآن، تأمین سعادت دنیوی همه افراد جامعه در کنار راهنمایی آنان به سعادت اخروی است. متفکران حوزه تفسیر اجتماعی معتقدند، قرآن نمی‌تواند خاستگاه‌های اصیل انسانی را نادیده بگیرد و مقوله‌های پیشرفت، بهره‌برداری از نعمت‌ها، لذت‌ها، تفریح و شادی را برای انسان ضروری نشمارد. (همان، ص ۷۷) قرآن آنجا که افرادی را به عنوان اسوه ذکر می‌کند، توجهی به شخصیت دنیایی آنها ندارد، بلکه شخصیت اخلاقی و انسانی را در نظر می‌گیرد. (همان، ص ۳۵۶)

در مجموع تمامی نیازهای بشر برای زندگی سعادت‌مند و متعالی در قرآن بیان شده و مسیر هدایت بدرستی برای او روشن گردیده.



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی
در آموخته‌ها و آوازه‌ها و آواز سنت

انسان متعالی با بهره‌گیری از تمامی ظرفیت‌های فطری و الهی درون خود می‌کوشد تا راه صحیح نیل به سعادت را از قرآن کشف کند و از آن برای رسیدن به مقصود بهره‌گیرد. این کشف مسیر نیازمند نورانیتی است که انسان‌های پاک نهاد در اختیار دارند؛ انسان‌هایی که نورانیت فطرت خویش را با سیاهی ظلم به نفس و تاریکی جهالت‌ها خاموش نساخته‌اند.

منابع

قرآن کریم

طباطبایی، سید محمد حسین، میزان فی تفسیر القرآن، قم، جامعه‌ی مدرسین، چ پنجم، ۱۴۱۷ ق
جوادی آملی، عبدالله، تفسیر موضوعی، قم، اسراء، ج ۲، ۱۳۸۸، ج ۱۷، ص ۱۷۵ تا ۱۷۷
----- تفسیر تسنیم، قم، اسراء، چ اول، ۱۳۹۲

دامن پاک مقدم، ناهید، بررسی نظریه عرفی بودن زبان قرآن، تهران، نشر تاریخ و فرهنگ، چ اول، ۱۳۸۰
خوبی، ابولقاسم البیان، بیان در علوم و مسائل قرآن، ترجمه نجمی و هریسی، قم، مهر استوار، ۱۳۵۴ ش، ص ۵۷۵
ویگوتسکی، یوسیمو نوویچ، ترجمه بهروز عزیدفتری، ذهن و جامعه، تهران، فاطمی، چ دوم، ۱۳۷۸، ص ۴۱
شاملو، سعید، بهداشت روانی، تهران، رشد، چ ۱۲، ۱۳۷۸، ص ۱۲۹
سیحانی، جعفر، منشور جاوید، قم، مؤسسه امام صادق علیه السلام، چ اول، ۱۳۸۳، ج ۱۴، ص ۳۲۰ تا ۳۲۲
بهشتی، سید محمد حسین و دیگران، شناخت اسلام، تهران، نشر فرهنگ اسلامی، چ اول، ۱۳۶۰، ص ۳۴۵
مطهری، مرتضی، جامعه و تاریخ، تهران، صدرا، چاپ ۵، ۱۳۶۸، ص ۳۳۴
بهرامپور، ابوالفضل، تفسیر نسیم حیات، تهران، انتشارات آوای قرآن، چ دوم، ۱۳۸۹، ج ۱۱، ص ۲۴۳

مقالات

رجبی، محمود، تبیین جامعه‌شناختی برخی از سنت‌های اجتماعی قرآن، قرآن‌شناخت، شماره ۷، سال سوم، بهار و تابستان ۱۳۹۰، ص ۱۳۳
مؤدب، سید رضا؛ روحانی زاده، مجتبی، تفسیر اجتماعی قرآن، قرآن و علم، شماره ۱۲، بهار ۱۳۹۲، ص ۶۱
کلانتری، ابراهیم، راهکارهای پاسخگویی قرآن به نیازهای انسان معاصر، مطالعات تفسیری، شماره ۲، سال اول، تابستان ۱۳۸۹، ص ۴۷



دفتر نشر و مکتوب‌های مجلس شورای اسلامی

مهدوی زاد، محمد علی؛ زرسازان، عاطفه، روش تربیت انسان در سیره انبیاء، پژوهش دین، شماره ۱۴، زمستان ۱۳۸۵، ص ۱۴۵ تا ۱۴۸

محمد قاسمی، حمید، اصلاح و افساد در آموزه های قرآنی، مطالعات قرآن و حدیث، زمستان ۱۳۸۷، ص ۱۲۷
رضایی اصفهانی، محمد علی؛ نجفی جزه ای، حمید، تربیت عبادی از منظر قرآن کریم، قرآن و علم، شماره ۱۴، سال هشتم، بهار و تابستان ۱۳۹۳، ص ۹۸ و ۹۹



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی